

Pathology of Political Science Research Articles

Hamidreza Rahmani Zadehkordi¹, Yousef Rezaian², Hossein Ansari Fard^{*3}

Received: 2024/08/24

Accepted: 2024/12/16

Research Article

Abstract

The purpose of a research article is to obtain new findings and rationally defend their correctness. However, cognitive errors and fallacies sometimes mislead researchers, or they deliberately use these fallacies. This article aims to review and diagnose the scientific research articles in question based on logical, empirical, and cognitive criteria. The data (articles) were randomly selected from quarterly political science and international relations journals and based on the requirements above. The research findings show that selectivity errors, fallacies of the face, and false causes are the most frequent among the articles under review.

Keywords: Cognitive errors, Criticism of research articles, Logical and rational fallacies, Political science

Rahmani Zadehkordi, H. R., Rezaian, Y., & Ansari Fard, H. (2024). Pathology of Political Science Research Articles. *Journal of Political and International Research*, 16(61), pp.17-32.

¹ Associate Professor, Department of Political Science, Allameh Tabatabai University .h.dehkordi@gmail.com

² Doctoral student of Political Sociology, Allameh Tabatabai University, Tehran. yrezaeian518@gmail.com

³ Doctoral student of political science at Allameh Tabatabai University. (Corresponding Author) hossein.ansari1992a@gmail.com



آسیب شناسی مقالات پژوهشی علوم سیاسی

حمیدرضا رحمانی زاده دهکردی^۱، یوسف رضاییان^۲، حسین انصاری فرد^{۳*}

مقاله پژوهشی	تار ریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۰۳ تاری پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۲۶
--------------	---

چکیده

هدف از مقاله پژوهشی دستیابی به یافته‌های تازه و دفاع عقلانی درستی آن است. اما خطاهای شناختی و مغالطاتی وجود دارد که گاهی پژوهشگران را به اشتباه می‌اندازند، یا اینکه عامدانه از این مغالطه‌ها استفاده می‌کنند. هدف این نوشته نقد و بررسی و آسیب شناسی مقالات علمی- پژوهشی مورد نظر بر اساس معیارهای منطقی، تجربی و شناختی است. داده‌ها (مقالات) به روش تصادفی از فصلنامه‌های حوزه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل و بر اساس معیار پیش گفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که خطای گزینشگری و مغالطه‌های کنه وجه و علت جعلی بیشترین فراوانی را در بین مقالات مورد بررسی دارند.

واژگان کلیدی: نقد مقالات پژوهشی، علوم سیاسی، خطاهای شناختی، مغالطات منطقی و عقلانی

رحمانی زاده دهکردی؛ حمیدرضا، رضاییان؛ یوسف، انصاری فرد؛ حسین (۱۴۰۳). آسیب شناسی مقالات پژوهشی علوم سیاسی فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۶۱، صفحات ۳۲-۱۷

^۱ دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی h.dehkordi@gmail.com

^۲ دانشجوی دکتری جامعه شناسی سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی تهران yrezaeian518@gmail.com

^۳ دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول) hossein.ansari1992a@gmail.com

مقدمه

این سخن «میخائیل باختین» در باره ساخته شدن «زیر نگاه دیگری»، که در سپهر بینش هگل قرار دارد (احمدی، ص ۹۶)، تنها ناظر بر پرورش فرد نیست، بلکه علم هم در پیوند با دیگری شکل میگیرد. از آنجا که نقد حوزه‌ای است در پیوند با خلاقیت علمی، ادبی و فلسفی؛ نمی‌توان مرز روشنی میان نقد و خلاقیت فکری کشید (هولاب، ص ۱۷-۱۹). «سودای کشف حقیقت به یاری دیگری» (احمدی، ص ۹۶) تلاش فکری مشترکی است که نقد را به خلاقیت علمی، ادبی و فلسفی پیوند می‌زند. متأسفانه در جامعه ما نقد جز در مواردی محدود جدی گرفته نمی‌شود. به همین دلیل علم از کارکرد اجتماعی خود - به گونه‌ی کوششی جمعی - جدا شده است. غیبت نقد، در کنار سایر عوامل، موجب رکود بازار علم و قطع پیوند علوم انسانی با مشکلات جامعه شده است. این مقاله پاسخی است به این کاستی جدی. به این خاطر ده مقاله پژوهشی در حوزه علوم سیاسی و روابط بین الملل را به صورتی تصادفی انتخاب؛ سپس به لحاظ شکلی و بر پایه معیارهای منطقی، تجربی و شناختی بررسی شده اند. به دلیل گستردگی مغالطه‌های منطقی و خطاهای شناختی رسیدن به جمع‌بندی مورد توافقی از آنها دشوار است. از این رو برای دستیابی به نقدی حرفه‌ای؛ هر کدام از مقالات را بطور جداگانه و بر اساس مغالطات معرفی شده ارزیابی و در پایان جدولی از مغالطات را تهیه و به تحلیل و تفسیر آن پرداخته شده است.

۱- انواع مغالطات و خطاها

«فاضل تونی» می‌گوید: مغالطه «آن است که مقدمات قیاس شبیه به یقین و ظنی باشد» (فاضل تونی، ص ۱۰۴) مغالطه قیاسی است فاسد که منتج به نتیجه صحیح نباشد و فساد آن یا از جهت ماده، یا صورت و یا هر دو باشد (بختیاروند، ص ۸). به نظر برخی از اندیشمندان بیش از ششصد گونه مغالطه و خطای شناختی وجود دارد. با توجه به هدف این نوشته تنها به مغالطات مشهور و پرکاربرد بسنده شده است.

یک پژوهش علمی باید از نظر عقلی مستدل و قابل دفاع،^۱ متکی بر شواهد تجربی^۲ و بافکارمند^۳ باشد. بنابراین سه ویژگی عقلانیت، تجربی بودن و بافکارمندی، معیارهای صحت یک پژوهش در حوزه علوم انسانی و اجتماعی هستند. بر پایه این سه معیار، خطاها و مغالطات موجود در پژوهش‌های علوم انسانی به سه دسته مغالطات؛ منطقی-عقلانی، تجربی و خطاهای شناختی دسته بندی شده اند.

۱-۱- مغالطات منطقی - عقلانی

۱-۱-۱- مغالطه‌های ابهام

عبارتند از: اشتراک لفظ، ابهام ساختاری، تعریف دوری و توسل به واژه‌های یا کمیات مبهم (بختیاروند، ص ۴۰ و ۶۱؛ فاضل تونی، ص ۲۴).

الف) اشتراک لفظ: استفاده از کلماتی است که دارای دو یا چند معنا هستند؛ بدون وجود قرینه‌ای دال بر معنای مورد نظر. به علت محدودیت زبانی، مردم خواه ناخواه گرفتار این مغالطه می‌شوند. به همین دلیل شیوع و گستردگی بیشتری دارد (رهبر، ص ۸۳).

^۱ justification

^۲ verification

^۳ context

ب) ابهام ساختاری: جمله‌ای است که می‌تواند به دو یا چند صورت بیان و فهمیده شود. مانند سخن «ابن جوزی»: خلیفه بلافضل پیامبر(ص) «کسی است که دختر وی در خانه اوست». می‌دانیم که حضرت علی(ع) داماد پیامبر و پیامبر نیز داماد ابوبکر بود. بنابراین، به علت ابهام دو ضمیر «وی» و «او» هم می‌تواند حضرت علی باشد و هم ابوبکر (رهبر، همان).

ج) واژه‌های مبهم: استفاده از کلمات مبهمی که قابلیت تفسیرهای متعدد دارند و به علت ابهام و عدم تعین، سخن را غیرقابل نقد می‌نماید؛ تا در هر شرایطی بتواند ادعا کند سخن او هنوز صحیح و پابرجا است. برخی واژه‌های مبهم «صفات نسبی» هستند، مانند دور و نزدیک، کوچک و بزرگ... و کمیات مبهم مانند زیاد، اندک، خیلی و کم که ابزار رایجی برای مغالطه هستند (رهبر، ص ۸۴).

۱-۱-۲- علت جعلی

چیزی را علت امری دانستن که در واقع علت آن نیست. این مغالطه دو شکل. یکم وقتی که در یک استدلال چیزی به عنوان «علت» وانمود شود که در واقع «علت» نیست و در تحلیل عقلی و منطقی نمی‌تواند جنبه علی و تاثیرگذاری داشته باشد، اما گوینده یا نویسنده در استدلال خود آن را سبب یک امر خاص به حساب می‌آورد. دوم زمانی که بخشی از علت به عنوان کل علت معرفی شود؛ مثلاً اگر پنج عامل برای یک معلول لازم است، تنها به یکی از آنها استناد شود. شکل اخیر مغالطه بیش از شکل پیشین صورت می‌گیرد. زیرا واقعا بخشی از آن دارای تاثیر علی بر معلول مورد نظر است. (رهبر، ص ۸۵).

۱-۱-۳- اهمال سور

قضیه مهمله آن است که حمل کنیم بر طبیعت به لحاظ افراد بدون کمیت و مقدار افراد. یک گزاره یا در مورد یک فرد خاص است مثل «حسین دانش آموز است» که گزاره شخصیه نامیده می‌شود، یا در مورد همه افراد یک مجموعه است. مثل «هر انسانی فانی است»، که گزاره‌های کلی نام دارند. یا درباره برخی از افراد یک مجموعه بیان می‌شود، مانند «بعضی از دانشجویان کوشا هستند» که گزاره جزئیه نامیده می‌شود. کلماتی مانند بعضی، هیچ، هر، همه، تمام و ... که بیانگر میزان شمول حکم گزاره بر افراد یک مجموعه هستند، اصطلاحاً «سور» نامیده می‌شوند. بنابراین سور تعداد افراد قضیه را معین می‌نماید. سور (کلی یا جزئی) محدوده و مرز افرادی را که راجع به آنها قضاوت می‌نماییم، مشخص می‌کند. (فاضل تونی، ص ۵۶). حال اگر سور گزاره ای بیان نشود، در منطق اصطلاحاً آن را گزاره مهمله می‌نامند؛ و این اهمال جهت آن است که بتوان از آن سوءاستفاده کرد.

۱-۱-۴- ذات و صفت (کنه و وجه)

منظور از این مغالطه برابر دانستن بخشی از یک چیز با کل آن یا برابر دانستن یک صفت با ذات یک چیز است. این مغالطه هنگامی رخ می‌دهد که جنبه‌ای خاص یا یک صفت ویژه از یک پدیده، به عنوان ذات و کنه آن پدیده معرفی شود، به گونه‌ای که گمان رود آن صفت، صفت ذاتی و ضروری است و صفات دیگر نقشی در ذات و هویت آن پدیده ندارند. (محمدی؛ انواع مغالطات).

۱-۱-۵- بزرگنمایی

این مغالطه با برجسته کردن بعضی از ابعاد یک خبر یا پیام آن را از حالت طبیعی خارج، و احتمالاً باعث می‌شود که متضمن معانی غیرواقعی و نادرستی شود. مانند نسبت دادن یک عدد به یک ترکیب عطفی است تا اهمیت یکی از اجزای آن ترکیب عطفی بیشتر از آنچه هست جلوه کند. مثل جمله: "محقق و نویسنده‌ای با بیش از صد کتاب و مقاله است" که صد مقاله و یک

کتاب نوشته است. راه دیگر، برجسته کردن ابعاد پسندیده یک مطلب و نادیده گرفتن ابعاد نامطلوب آن است. برای مثال جمله، «بسیاری از راه یافتگان به دانشگاه‌ها از طبقات فقیر جامعه هستند» (بختیاروند، ص ۱۸).

۱-۱-۶-کوچک‌نمایی

این مغالطه از نظر جایگاه، ساختار و عملکرد عیناً مانند بزرگ‌نمایی است. در حالیکه با کوچک‌نمایی و کم‌رنگ کردن و بی‌اهمیت نشان دادن مطلب، برخی معانی نادرست و غیرواقعی می‌شوند. (بختیاروند، ص ۱۸).

۱-۱-۷-ترکیب مفصل

یعنی ترکیب دو جمله که به صورت مجزا صادقند، ولی در یک جمله مرکب حاصل نادرست است. مثلاً اگر کسی نویسنده‌ای ضعیف و ورزشکاری ماهر باشد، می‌توان گفت «این فرد نویسنده است»، یا «او ورزشکاری ماهر است». اما اگر بگوییم؛ «او نویسنده و ورزشکاری ماهر است»، سخن ما مغالطه‌آمیز است (نبویان، ۱۳۹۰).

۱-۱-۸-تفصیل مرکب

اگر صفت و حکمی، وصف یک مجموعه در کل است و بخواهیم آن صفت را بر اجزا هم صادق بدانیم دچار این مغالطه شده‌ایم. نمک طعام یا کلرورسدیم برای سلامتی افراد لازم است. اگر بگوییم اجزای آن یعنی «کلر» و «سدیم» نیز برای سلامتی مفیدند دچار مغالطه شده‌ایم. زیرا گاز کلر به تنهایی کشنده و سدیم به تنهایی سرطان‌زا است (انواع مغالطه و مغالطه در منطق، رحیمی آتانی؛ سید محمود نبویان، مغالطات).

۱-۱-۹-مقدمه کاذب

مقدمات و ادله‌ای که در یک برهان به کار می‌روند، باید با نتیجه رابطه منطقی داشته باشند؛ اگر ادله ارائه شده با نتیجه مورد نظر بیگانه، اخص یا اعم باشد دچار مغالطه شده‌ایم (بختیاروند، ص ۵۹).
بایدها به جای هست‌ها (طالب، ص ۳۶۵؛ حسین زاده، ص ۱۳۲).

۱-۲-۱-خطاهای اسناد و تجربه

۱-۲-۱-گزینشی عمل کردن^۱

نظام ادراکی ما شاید به آنچه که در پیش چشمانمان نیست یا آنکه توجه احساسی ما را بر نمی‌انگیزد واکنش نشان ندهد (طالب، ص ۱۹۸). در این مغالطه شواهد یا داده‌های خاصی را انتخاب می‌کنند که با مطلب مورد ادعا مطابقت دارد و در عین حال بقیه اطلاعات موجود را نادیده می‌گیرند. (اکبری، ۱۴۰۱)

۱-۲-۲-تحریف گذشته نگر

یعنی تکیه بر داده‌های گذشته برای پیش بینی آینده. از آنجا که «... آینده دیگر آن گونه که قبلاً بوده است نیست» (طالب، ص ۳۹۶-۳۹۹) اگر بخواهیم تنها با تکیه بر گذشته به پیش بینی آینده پردازیم دچار مغالطه شده‌ایم.

¹ cherry picking

۱-۲-۳- استقراء کاذب

یعنی ارتباط نداشتن اسناد و تجربه با تئوری و نظریه. در این مغالطه ممکن است گوینده به جای شواهد موثق جزئیاتی را که متناسب با ادعای خود است انتخاب کند (اکبری، ۱۴۰۱).

۱-۲-۴- متن محور نبودن

توجه نکردن به ظرف زمان و مکان موضوع مورد بررسی.

۲-۲- خطاهای شناختی - ذهنی**۱-۲-۲- دنباله کشیده یا لنگرگیری**

از نظر روانشناسی وقتی که ذهن نسبت به موضوعی فاقد اطلاعات است و ترجیحاتی ندارد، اولین داده‌ای که دریافت می‌کند مبنایی برای شکل‌گیری ذهنیت فرد میشود (سرزعی، ص ۲۶۸؛ طالب، ص ۳۴۲-۳۳۹). در لنگرگیری یک عدد یا مقداری از پیش تعیین شده را در نظر می‌گیریم و به دنبال مصداق‌هایش می‌رویم (قلی پور، ۱۳۹۲).

۲-۲-۲- خطای تایید

ما به طور طبیعی تمایل داریم مواردی را پیدا کنیم که داستان و دیدگاه ما از دنیا را ثابت کند (طالب، ص ۱۰۰). ما عاشق موافق بودن با کسانی هستیم که با ما موافق هستند. اینگونه است که تنها به منابعی ارجاع می‌دهیم که باورهایمان را تایید کنند (قلی پور، ۱۳۹۲).

۲-۲-۳- خطای روایتگری

گرایش ما به تحمیل معنا و مفهوم، مانع از آگاهی ما در مورد جزئیات می‌شود. هراندازه کلمات و نشانه‌ها با نظم بیشتر و بر پایه ی الگو و روایتگری ترتیب داده شوند، ذخیره کردن در ذهن و نوشتن آنها راحت‌تر است (طالب، ص ۱۱۵-۱۱۸). روایت‌ها پیچیدگی جهان را کاهش داده و به بی‌نظمی ادراک و تجربیات انسان نظم می‌بخشند. تمایل به روش روایتگری و علت و معلولی دیدن چیزها، علائم مشابه یک بیماری است: بیماری کاهش دادن ابعاد (طالب، ص ۱۲۱).

۲-۲-۴- حفظ وضع موجود

کسب دانش برپایه ی پنداشت همگان و اعتقادات علمی پذیرفته شده است. (طالب، ص ۷۸) ما انسانها به دلیل ترس از تغییر کارهایی انجام می‌دهیم که تضمین کند اوضاع کمترین تغییر را خواهد کرد (اکبری، ۱۴۰۱).

۲-۲-۵- خطای انتخاب مشاهده‌گر

این خطای توجه کردن به چیزهایی است که پیشتر به آن‌ها بی‌توجه بودیم ولی به علت تغییر نگاه ما، نتیجه می‌گیریم که شایع‌تر شده‌اند. در حالی که این داده‌ها بیشتر رخ نمی‌دهد، بلکه تنها توجه ما با آنها بیشتر شده است. مانند کسی که تازه ماشین خریده است و لنگه اش را همه جا می‌بیند. یعنی ذهن ما چیزهایی را درک میکند که در شرایط آن قرار داریم و آن را احساس می‌کنیم (قلی پور، ۱۳۹۲).

۲-۲-۶- اثر کوپه یا پیروی از جمع

وقتی توده نظرش به کسی جلب می شود کارکرد منطقی مغز ما خاموش می شود و ما همرنگ جماعت می شویم (اکبری، ۱۴۰۱).

۲-۲-۷- فرافکنی

ما به عنوان موجوداتی که دائماً درون ذهن و هوشیاری خودمان گیر افتاده ایم، اغلب از دنیای بیرون غافل می شویم. فکر می کنیم دیگران هم مثل ما هستند. در حالی که هیچ شهادتی بر آن وجود ندارد. (اکبری، ۱۴۰۱).

۳- مقالات پژوهشی

مقالات این پژوهش کاملاً تصادفی انتخاب شده اند. برای این کار چهارمین مقاله از فصل دوم (تابستان) سال ۱۴۰۰ ده فصلنامه پژوهشی در حوزه علوم سیاسی انتخاب شده اند.

۳-۱- صلاحیت و انتخابات: دشواری های نهادینه شدن کسب قدرت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه دولت

پژوهی سال هفتم، شماره ۲۶ تابستان ۱۴۰۰

۳-۲- کاربست منطقه گرایی و نقش آن در تامین امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس، فصلنامه پژوهش

های سیاسی جهان اسلام، سال یازدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۰

۳-۳- اقتدار گرایی یا دموکراسی، ساختار دولت و توسعه اقتصادی در چین و هند، پژوهش نامه ایرانی سیاست بین

الملل، سال نهم شماره دوم (تابستان) ۱۴۰۰

۳-۴- اصل تناسب، سنتز اصول تفکیک و ضرورت نظامی در حمایت از محیط زیست در مخاصمات مسلحانه بین المللی،

فصلنامه مطالعات بین المللی، سال هجدهم، شماره دوم، سال ۱۴۰۰

۳-۵- نقش آینده پژوهی در قوانین دینی برای اداره جامعه بر اساس نظریه ادراکات اعتباری، فصلنامه سپهر سیاست،

سال هشتم، شماره ۲۸، سال ۱۴۰۰

۳-۶- انقلاب اسلامی در پژوهشهای جامعه دانشگاهی کشور ترکیه، فصلنامه علوم سیاسی سال بیست و چهارم، شماره

۹۴، تابستان ۱۴۰۰

۳-۷- جایگاه مولفه مدار آزادی در نظریه قرآنی آزادی، فصلنامه رهیافت های سیاسی و بین المللی، دوره ۱۲ شماره ۴،

تابستان ۱۴۰۰

۳-۸- نقش صلح و امنیت بین المللی در تحقق تنوع فرهنگی، فصلنامه راهبرد سیاسی، سال پنجم شماره ۲، تابستان ۱۴۰۰

۳-۹-شناسایی و تحلیل پیشران های تاثیر گذار بر آینده مشارکت سیاسی در ایران و سناریوهای پیشرو، فصلنامه جستارهای سیاسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ۱۲ شماره ۲، تابستان ۱۴۰۰

۳-۱۰-گفتمان نوع اصلاحطلبی و گفتمان امنیت ملی جمهوری اسلامی: زیست جنبشهای ریزوماتیکی (۱۳۹۸) - ۱۳۹۲، فصلنامه پژوهشنامه علوم سیاسی، سال شانزدهم، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۰

۴-یافته‌های پژوهش

مقاله نخست با عنوان: «صلاحیت و انتخابات: دشواری‌های نهادینه شدن کسب قدرت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران». هدفش بررسی مناقشه‌های موجود بر سر فرآیند کسب قدرت سیاسی، هویت مدعیان حقیقی و حقوقی کسب قدرت است. نویسندگان پس از اشاره به نظریه‌های توسعه سیاسی و نهادگرایی با بهره‌گیری از نظریه نهادگرایی مانند ساموئل هانتینگتون، هاینریش پایتزر و جیانفرانکو پوجی موانع کسب قدرت سیاسی در ایران شامل: رد صلاحیت کاندیداها در انتخابات، تنگناهای فعالیت حزبی و مناقشات موجود بر سر فرآیند کسب قدرت در انتخابات را بررسی کرده اند.

این پژوهش، مشکلات نهادینه شدن قدرت سیاسی در ایران را ناشی از ابهام و تفسیر قانون اساسی می‌داند. در صورتی که نظام سیاسی تعرف شده در قانون اساسی اصول بنیادین دولت مدرن را قبول ندارد. بنابر این نهادهای مردم سالار نیز کارایی خود را ندارند. از میان ویژگی های غایب دولت مدرن در نظام سیاسی ایران می توان به؛ غیر شخصی شدن دولت و نهادهای عمومی، باز بودن سازمان‌ها به روی همه افراد، جدایی دین از سیاست و غیر ایدئولوژیک بودن دولت اشاره نمود.

تضاد میان نهادهای مردم سالار و کلیت نظام جمهوری اسلامی موجب تناقضات منطقی و شناختی زیر شده اند:

۱-متن محور نبودن: از آنجا که جمهوری اسلامی حکومتی سنتی - ایدئولوژیک است، نهادهای آن بایستی در چارچوب این ساختار بررسی شوند. ولی نویسندگان این ویژگی را نادیده گرفته اند.

۲-مغالطه کنه و وجه: قانون اساسی بخشی از نظام جمهوری اسلامی است. اما نویسندگان، قانون اساسی را مساوی با کل نظام می‌گیرند.

۳-علت جعلی: نهادینه نشدن قدرت سیاسی در ایران دلایل مختلفی دارد از جمله: تناقضات موجود در ساختار جمهوری اسلامی، پافشاری نیروهای سنتی بر حفظ امتیازات عصر سنت، جنبش توده وار بخش‌هایی از نیروهای فعال در جامعه که تن به نهادینه شدن نمی‌دهند و عوامل دیگر. اما نویسندگان، قانون اساسی را که بخش کوچکی از عوامل تاثیر گذار است به عنوان علت العلل معرفی می‌کنند.

۴-در منطق جدید می‌توان جامعه آماری را معادل سور در منطق قدیم دانست. از آنجا که نویسندگان مشخص نکرده‌اند جامعه آماری مدعیان قدرت در ایران شامل کدام احزاب و گروه‌ها است و به صورتی کلی و مبهم از کنار آن گذشته اند، دچار مغالطه اجمال سور نیز شده‌اند.

۵-استقراء کاذب: در طول چهار دهه گذشته از یک سو ساختار و ماهیت جمهوری اسلامی تغییرات کلان کرده؛ از سوی دیگر بازیگران و کارگزاران نهادهای سیاسی دگرگونی‌های زیادی را به خود دیده اند. در صورتی می‌توان این تغییرات را در نظر نگرفت که چهارچوب تحلیل، محدود به ماهیت حقوقی نهادهای سیاسی باشد و پژوهش در قالب حقوق عمومی انجام شود وگرنه دچار استقراء کاذب می‌شویم.

۶-خطای تایید: یکی از مسائل و درگیری‌های بین دو جناح چپ و راست در ایران اعتراض جناح چپ به سوء استفاده جناح راست از رای گیری الکترونیک بود. نویسندگان که در فضای فکری جناح چپ می‌اندیشند، بدون پژوهش در مورد

حرکت بیشتر کشورها به سوی الکترونیک شدن و حتی غیرحضوری شدن رای گیری، رای گیری الکترونیک را رد کرده‌اند. یعنی مدافع دیدگاهی شده‌اند که همسو با نظرشان است.

مقاله دوم با عنوان: کاربست منطقه گرایی و نقش آن در تامین امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس، هدفش اثبات تاثیر سیاستهای منطقه ای بر افزایش امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران است. نویسندگان با استفاده از چارچوب نظریه "باری بوزان" از نقش و اهمیت منطقه گرایی در تامین امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران دفاع نموده اند. در صورتیکه واقعیتهای سیاست خارجی و سیاست بین المللی ایران با نظریه باری بوزان همخوانی ندارد. زیرا برای تحلیل نظامهای بین المللی باید به چهار ویژگی زیر توجه نمود: مرزهای نظام بین المللی، بازیگران آن، ساختار قدرت و ماهیت نظام بین المللی.

۱) نظام بین المللی کنونی به معنای واقعی نظامی جهانی است. یعنی همه واحدهای سیاسی در سطح جهان نمیتوانند تصمیمات جداگانه ای بگیرند که متاثر از کلیت نظام بین المللی نباشد.

۲) دولت - ملت ها بازیگران اصلی نظام بین المللی هستند. در کنار آن سازمانهای بین المللی و منطقه ای و بازیگران غیر دولتی نیز در این نظام نقش آفرینی میکنند.

۳) به رغم آنکه نظام بین المللی پس از فروپاشی شوروی به سمت نظامی چند قطبی گرایش دارد، جهان غرب به رهبری ایالات متحده آمریکا قطب مسلط بر نظام بین المللی است.

۴) نظام بین المللی کنونی - صرف نظر از دیگر ویژگیها- ماهیتی اقتصادی دارد. زیرا بر بنیان تمدن غرب که تمدنی اقتصادی است، پایه ریزی شده و اقتصاد مهمترین عامل تاثیر گذار بر رفتار واحد های بین المللی است.

از آنجا که جمهوری اسلامی از آغاز تاسیس، در کنار منافع ملی - و حتی مهمتر از آن - به دنبال مصلحت اسلام بوده است، سیاست خارجی "دو اوربیتالی" آن مانع از پیگیری موفق اهداف سیاست خارجی شده است. جمهوری اسلامی بدون توجه به ساختار نظام بین المللی و سایر بازیگران به ویژه سازمانهای بین المللی و بازیگران قدرتمندی مانند ایالات متحده، به دنبال اهداف سیاست خارجی خود است. به همین دلیل همواره در دسترسی به اهداف خود ناموفق بوده؛ یا موفقیتهای موقت و محدودی داشته است. بنابراین هرگونه پژوهش در مورد سیاست خارجی، سیاست بین الملل و منطقه‌ای جمهوری اسلامی بدون توجه به این واقعیات دچار مغالطات زیر خواهد شد:

- ۱- متن محور نبودن: توجه نکردن به واقعیات و ویژگیهای نظام بین المللی.
- ۲- دنباله کشیده یا لنگر انداختن: نویسندگان به جای بررسی و پژوهش علمی، در اصل به دنبال تایید اطلاعاتی هستند که موید مواضع جمهوری اسلامی درباره شکستن هژمونی ایالات متحده در منطقه و بیرون آمدن از محاصره دشمنان منطقه‌ای باشد.

۳- استقراء کاذب: از آنجا که واقعیات نظام بین المللی و چارچوب نظریه باری بوزان با اهداف پژوهش، که توصیه به جمهوری اسلامی برای همکاریهای منطقه‌ای است، منطبق نیست، پژوهش دچار نوعی استقراء کاذب شده است. ۴- کنه و وجه: به دلیل آن که پژوهشگران به بخش مصلحت اسلام اشاره‌ای نکرده‌اند، و تنها به منافع ملی توجه نموده اند، دچار مغالطه کنه و وجه شده‌اند.

مقاله سوم با عنوان: اقتدارگرایی یا دموکراسی، ساختار دولت و توسعه اقتصادی در چین و هند، هدفش مقایسه توسعه اقتصادی چین و هند بر اساس نظریه دولت توسعه گرای «آدریان لفت ویچ» است. این پژوهش دو گزاره‌ی بنیادین دارد: نخست آنکه دولت‌ها کارگزاران توسعه هستند. در نتیجه سایر عوامل مانند محیط مساعد بین المللی و همراهی منافع بخش‌هایی از جامعه با توسعه نقشی ثانوی دارند. دوم آنکه توسعه اقتصادی چندان به نوع ایدئولوژی و ماهیت دولت محدود نمی‌شود. از آنجا که دولت توسعه گرا یک برساخت ذهنی است که قابل آزمون تجربی و ابطال پذیر نیست. هر جایی که توسعه اتفاق

افتاده است می‌توان آن را به دولت توسعه گرا نسبت داد. مانند: تغییر نگاه نخبگان، ضعف جامعه مدنی، قدرت دیوان سالاری و استقلال نهادهای دولتی از جامعه. اگر نویسندگان توسعه را معلول عوامل مختلفی می‌دانستند که یکی از آنها دولت است مقاله در کلیتش درست بود. ولی باز هم در جزئیات آن مناقشات زیادی وجود داشت. زیرا دولت چین زمانی به طرف توسعه حرکت کرد که از اقتدار گرایی آن کاسته شد و اقتصاد بازار، قانونمند شدن مالکیت افراد، رقابت برای پذیرش در دانشگاه و خدمات کشوری رواج پیدا کرد؛ قوانین ناظر بر قدرت و قاعده مند شدن کناره‌گیری سیاستمداران از قدرت (بعد از ده سال) تصویب گردید و اداره کشور به سمت تمرکززدایی حرکت کرد (فوکویاما، فصل‌های ۲۴ و ۲۵) در نتیجه به جز ظاهری از حزب کمونیست و ایدئولوژی کمونیستی باقی نماند و جامعه به سمت فرهنگ کنفوسیوسی بازگشت. این تحولات همزمان با کمک آمریکا به چین برای بازگشت به آغوش جامعه جهانی و باز شدن درهای اقتصاد چین به روی دنیا بود. از سوی دیگر دولت توسعه گرا به روز شده و بازسازی شده مفهوم دولت مطلقه و انطباق آن با قرن بیستم است. دولت توسعه گرا یا دولت مطلقه ضرورتی است برای آغاز توسعه که خود هدف نیست بلکه یک مرحله مقدماتی برای شروع توسعه است.

بنابراین می‌توان مغالطات و نارسایی‌های استدلالی زیر را برای این مقاله نام برد:

الف - علت جعلی: زیرا یک از عوامل توسعه را به عنوان علت توسعه معرفی کرده است.

ب- بزرگنمایی: بزرگنمایی نقش دولت در توسعه.

ج - گزینشگری: از میان تحولات مختلف جامعه چین و هند مطالبی را که با نظریه سازگار بوده است جمع آوری کرده است.

د- خطای تأیید: به دلیل آنکه در جامعه ما یک حکومت ایدئولوژیک برسرکار است داده‌هایی را در مشاهده مورد توجه قرار می‌دهیم که مؤید نظر ما در مورد سازگاری دولت ایدئولوژیک با توسعه باشد. در صورتی که هر نوع دولتی با توسعه سازگار نیست.

هـ - تحریف گذشته نگر: همانطوریکه مانوئل کاستلز در جلد سوم کتاب «عصر اطلاعات: پایان هزاره» گفته است دولت توسعه گرا مفهومی است مربوط به گذشته که با جامعه اطلاعاتی ناسازگار است (کاستلز، ۲۹۱-۲۸۴). بنابراین ملت‌ها در آینده برای توسعه نمی‌توانند بر دولت توسعه گرا تکیه کنند.

د - مغالطه کنه و وجه: نویسندگان دگرگونی و تغییر در بخشی از جامعه را که دولت باشد معادل با تغییر در کل جامعه گرفته‌اند.

مقاله شماره ۱: اصل تناسب، سنتز اصول تفکیک و ضرورت نظامی در حمایت از محیط زیست در مخاصمات مسلحانه بین المللی، هدفش معرفی اصل تناسب به عنوان معیاری کارآمد برای تشخیص جنایات جنگی نسبت به محیط زیست است. نویسندگان برآنند که در هنگامه جنگ‌های مسلحانه برای جلوگیری از تخریب محیط زیست، باید آن را از مسائل جنگی جدا کرد. اما ضرورت‌های نظامی ممکن است منجر به آسیب رسیدن به محیط زیست شود. اصل تناسب به عنوان سنتز اصل تفکیک (محیط زیست از مسائل جنگی) و ضرورت (نظامی) می‌تواند از تخریب بی‌رویه محیط زیست در جنگ‌ها جلوگیری کند و برخی موارد تخریب را به عنوان جنایت جنگی به حساب آورد. ظاهراً اصل تناسب توسط نویسندگان به صورت استدلال قیاسی و از روی اسناد بین المللی از دو اصل تفکیک و ضرورت استنتاج شده است.

در این پژوهش به خوبی نشان داده شده است که محیط زیست به عنوان یک محیط غیر نظامی، مورد حمایت حقوق بشردوستانه بین‌المللی است که آسیب به آن در حقوق کیفری بین‌المللی ذیل جنایات جنگی جرم انگاری شده است. اما چگونگی تشخیص عدم تناسب تخریب محیط زیست در جنگ به صورتی سلبی معرفی شده است.

یعنی آنچه که نظامی نیست، غیر نظامی و بنابراین تخریب آن جرم است. چنین روشی بسیار مبهم است. تناسب نسبت به چه چیزی؟ ابزار جنگی؟ محیط طبیعی؟ گستردگی جنگ؟ اهمیت محیط زیست؟ جنگ باید با چه چیزی از محیط زیست تناسب داشته باشد که در غیر این صورت موجب عدم تناسب و جنایت جنگی محسوب می شود؟

از میان مغالطات منطقی، مغالطه ابهام مهمترین نارسایی این نوشته آن است، به ویژه ابهام در تعریف عدم تناسب. به گونه ای که تخریب محیط زیست وابسته به ضرورت های نظامی است. برای خروج از این تنگنای منطقی می بایست معیارهای عینی در اسناد بین المللی آورده شود، یا اینکه نویسندگان به چنین مشکلی اشاره می کردند و پیشنهادات اصلاحی را می دادند.

مقاله پنجم؛ نقش آینده پژوهی در قوانین دینی برای اداره جامعه بر اساس نظریه ادراکات اعتباری.

نویسندگان بر اساس نظریه ادراکات اعتباری محمد حسین طباطبایی در کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم بر آنند که علوم مفاهیم اعتباری و قراردادی هستند. اما دارای آثار حقیقی در زندگی ما هستند. بنابراین با تغییر مفاهیم قراردادی جامعه بر پایه ادراکات اعتباری می توان آینده جامعه را تغییر داد. از آنجا که تغییر ارزشهای ذهنی افراد موجب شکل گیری آینده جوامع می شود. می توان بر اساس احکام ثانویه اسلام دستورات فقهی لازم در زمینه های مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و غیره را از متون اسلامی استنباط و با ترویج آنها در جامعه و برنامه ریزی جامعه بر پایه این اصول اجتهادی، آینده مطلوب را پیشاپیش شکل داده و پیش بینی نمود.

این مقاله مبانی استنباطی نادرستی دارد: نخست اینکه عینیت علوم را در نظر نگرفته است. یعنی علم را بر ساخته ای اراده گرایانه در نظر گرفته است که شکل گیری آن ربطی به دنیای خارج ندارد. دوم آنکه افراد جامعه را اشیائی بی اراده می داند که هرگونه که برنامه ریزان بخواهند آنها را شکل خواهند داد. سوم آنکه، فقط به آینده مطلوب می پردازد، توجهی به آینده های محتمل و ممکن ندارد. در صورتی که مشکل آینده پژوهی آینده های ممکن است که کنترل آنها از دسترس ما خارج است.

۴-۱- مغالطات منطقی و شناختی

۱- مقدمات کاذب: نگاه اراده گرایانه و بر ساختن دانستن علم و جامعه.

۲- ترکیب مفصل: ترکیب نادرست برخی از گزاره ها درست مانند: ارزش ها به آینده جامعه شکل می دهند. آینده را تا اندازه های می توان پیش بینی کرد.

۳- فرافکنی: همه افراد جامعه چنین نظری ندارند که می توان به صورتی اراده گرایانه و بر اساس طرحی از پیش تعیین شده و بدون توجه به خواسته های بقیه مردم آینده جامعه را طراحی کرد.

۴- پیش کشیدن سخن از بایدها به جای هستها: به جای آن که توضیح دهد آینده را چگونه می توان پیش بینی کرد توصیه می کند که چه کارهایی را باید کرد تا بتوان آینده را شکل داد.

مقاله شماره ششم؛ انقلاب اسلامی در پژوهش های جامعه دانشگاهی کشور ترکیه.

این پژوهش شامل بررسی پنجاه پایان نامه دانشجویان دکتری و کارشناسی ارشد دانشگاه های ترکیه برای سنجش دیدگاه آنها در باره مسائل سیاسی و دینی در ایران است.

سه خطای شناختی در این نوشته وجود دارد:

الف - گزینشگری: انتخاب پایان نامه ها از میان دانشجویان دانشکده های الهیات که نگاه مثبتی به یک حکومت دینی دارند.

ب - فرافکنی: در چندین جای نوشته، با تاکید می گوید: ایران را کشوری مقتدر در منطقه غرب آسیا و جهان می دانند. آنچه را که خود فکر می کند درست است به جامعه آماری اش نسبت می دهد. زیرا چنین اظهار نظری به جز در یک مورد به روشنی دیده نمی شود.

ج - خطای انتخاب مشاهده گر: مسائل هسته‌ای، حقوق بین الملل و زنان را ذیل عنوان مسائل علمی و اجتماعی بخش‌بندی می‌کند، در صورتی که پایان نامه‌ها، مسائل هسته‌ای را نظامی - امنیتی، مسائل حقوق بین الملل را نقض قوانین بین المللی و ناهنجاری در روابط بین الملل و مسائل زنان را نوعی بحران و نارضایتی سیاسی - اجتماعی می‌پندارند.

مقاله شماره هفت ؛ جایگاه مولفه مدارآزادی در نظریه قرآنی آزادی.

منظور نویسنده از مدار آزادی سنجه یا معیاری است که شرایط بهره‌مندی انسان‌ها از آزادی و جداسازی آزادی از ناآزادی‌ها را مشخص می‌کند. نویسنده مدار آزادی را حق می‌داند که امری است ثابت و پایدار، فطری و با منشا الهی. در ادامه از سه نوع آزادی بحث می‌کند شامل: آزادی منفی، آزادی مثبت و آزادی جمهوری خواهانه. آزادی منفی و آزادی جمهوری‌خواهانه را که ریشه در فردیت انسان دارند به دلیل تاکید بر هوس‌ها و شهوات حیوانی انسان ضد آزادی می‌داند و آزادی مثبت را که بر پایه عقلانیت همگانی و تاریخی برای آزادی نوع بشر قرار دارد، در صورتی معتبر می‌داند که در راستای اراده خداوند باشد

۴-۲- مغالطات

۱- خطای گزینشگری: نخست اشاره نکردن به فیلسوفانی مانند «آیزایا برلین» و به جای آن ارجاع به «هگل»، «کانت» و «روسو» که. دوم آنکه تمامی آیاتی را که از قرآن ذکر کرده است مربوط به حق می‌باشند، هیچ نامی از آیات مربوط به آزادی به میان نیامده است.

۲ - مغالطه کنه و وجه: نویسنده در سراسر نوشته آیاتی را در مورد حق از قرآن ذکر کرده و از میان تمامی معانی حق آن را به عدالت در روابط انسانی تعبیر نموده، سپس با این استدلال که؛ آزادی جزء ذاتی روابط انسانی است، حق را تعیین کننده آزادی دانسته است.

مقاله شماره هشتم: نقش صلح و امنیت بین المللی در تحقق تنوع فرهنگی.

نویسندگان ضمن اشاره به شکل‌گیری سازمان‌های بین المللی در قرن بیستم و برخی از قطعنامه‌ها و معاهدات بین المللی برای جلوگیری از جنگ به آثار زیانبار جنگ سرد به ویژه در کشورهای کمونیستی اشاره کرده‌اند. عنوان این مقاله با استدلال و شواهد ارائه شده هماهنگ نیست. یعنی دچار مغالطه استقراء کاذب شده است. انتظار می‌رود با آوردن شواهدی از آثار جنگ در سراسر تاریخ بشر، تخریب آثار فرهنگی و از بین رفتن تمدن‌ها، اقوام و فرهنگ‌ها، برای اثبات نقش صلح و امنیت در حفظ تنوع فرهنگی استدلال نماید. اما نپذیرفتن (عدم تحمل) تنوع فرهنگی و عدم درک متقابل ملت‌ها از همدیگر را عامل جنگ دانسته‌اند. یعنی استدلال را معکوس کرده‌است.

مقاله شماره نهم : شناسایی و تحلیل پیشران‌های تاثیر گذار بر آینده مشارکت سیاسی در ایران و سناریوهای پیش رو.

این پژوهش با استفاده از روش دلفی برای آینده پژوهی در مورد مشارکت سیاسی در ایران به ویژه انتخابات‌ها؛ از خبرگان دانشگاهی و اجرایی داخل کشور در مورد پیشران‌های اصلی آینده مشارکت سیاسی در ایران تحقیق شده است. داده‌ها در آغاز به صورت ۳۰ پیشران از میان پاسخ‌های خبرگان جمع‌آوری شده، سپس با حذف و تلفیق آنها را به ۱۵ پیشران اصلی کاهش داده‌اند. جدول به دست آمده را دوباره به خبرگان بازگردانده تا بر اساس اثرگذاری و اثرپذیری پیشران‌ها به هر کدام از آنها نمره ۱ تا ۳ داده شود. پس از جمع‌آوری داده‌ها، نمرات بر اساس نرم افزار میک مک و بر پایه دو معیار اثرپذیری و اثرگذاری در دو ستون جمع بندی شده‌اند. در ادامه نمودارهای اثرگذاری پیشران‌ها بر همدیگر طراحی شده است و بر اساس جایگاه هر کدام از پیشران‌ها در نمودار طراحی شده چهار سناریوی ممکن برای آینده مشارکت سیاسی در ایران طراحی کرده است. این پژوهش از نظر بازنمایی آینده ایران به دلیل مغالطه‌های منطقی و شناختی زیر کارایی لازم را ندارد.

الف - تحریف گذشته نگر: داده‌ها «بر اساس روندها و رویدادهای جامعه ایران پس از انقلاب اسلامی» جمع آوری شده‌اند. همانطور که می‌دانید؛ اطلاعاتی که در حوزه های سیاسی از خبرگان جمع‌آوری می‌شود، حاصل تجربیات گذشته آنهاست که ممکن است در آینده هیچگونه کارایی نداشته باشند. از سوی دیگر، از نرم افزار میک مک برای آینده پژوهی در سطوح مختلف مدیریت (شهری، نظامی، صنعتی، فناوری و) استفاده می‌شود. در حوزه مدیریت به دلیل آن که مدیران می‌توانند عوامل تاثیر گذار بر مجموعه تحت مدیریت خود را تغییر، جابجا، کم و زیاد و یا حذف کنند؛ می‌توانند با دستکاری پیشران‌های مجموعه تحت مدیریت خود، آینده مجموعه را پیش بینی و حتی کنترل کنند. اما در مجموعه‌های سیاسی به دلیل آنکه مدیری وجود ندارد که کنترل کاملی بر جامعه سیاسی داشته باشد، پیش بینی و کنترل آینده از طریق پیشران‌ها به اطلاعات مضاعفی نیاز دارد که از طریق آن بتوان عوامل موثر بر مکانیسم تحول پیشران‌ها را به دست آورد. از نگاه نسیم طالب، پیش بینی نیازمند دانستن در مورد تکنولوژی هایی است که قرار است در آینده کشف شود ولی ما آنچه را که قرار است در آینده بدانیم نمی‌دانیم (طالب ۲۷۴ و ۲۷۵)

ب - خطای گزینشگری: به گفته نویسندگان مقاله، در آغاز ۳۰ پیشران توسط خبرگان شناسایی شده، سپس آنها را به ۱۵ پیشران تقلیل داده‌اند. از آنجا که ممکن است برخی از پیشران‌های حذف شده از نظر خوانندگان عوامل موثری بر شکل گیری آینده باشند، حذف آنها نوعی گزینش گری است.. زیرا ممکن است بخشی از واقعیات اثر گذار بر آینده از روند پژوهش حذف شده باشد.

ج- خطای انتخاب مشاهده گر: به دلیل آنکه خبرگانی که از آنها تحقیق شده است دانشگاهیان و مدیران اجرایی داخل نظام هستند، ممکن است بسیاری از داده‌ها از دید آنها پنهان شده باشد، یا به اصطلاح دچار خطای انتخاب مشاهده گر شده باشند. یعنی آنچه را که در درگیری‌های جناحی و انتخاباتی با آن روبرو بوده‌اند بیان کرده‌باشند. در نتیجه عوامل تاثیرگذار دیگری را در نظر نیاورده یا کم اهمیت دانسته باشند.

مقاله شماره دهم: گفتمان نوع اصلاح طلبی و گفتمان امنیت ملی جمهوری اسلامی: زیست جنبش‌های ریزوماتیکی (۱۳۹۸ - ۱۳۹۲).

این پژوهش به رغم متن دشوار و متکلف و مصنوع آن، پیامی ساده دارد: گفتمان نو اصلاح طلبی دوره ریاست جمهوری آقای روحانی با دال مرکزی اعتدال و یک منظومه معنای جدید که دال‌های فراموش شده و به حاشیه رانده شده را مطرح کرد، توانست زنان، جوانان، اقوام، اقلیت‌های مذهبی را وارد صحنه انتخابات کند. اما به دلیل آنکه برخلاف فضای استعاری ایجاد شده به وعده‌های داده شده عمل نمود، در نتیجه باعث گردید نارضایتی‌های مردم به سطح آمده و از طریق رویدادهای هیجانی و احساسی در شکل شورش‌های توده وار و بی شکل خود را نشان دهند. این رویدادها باعث گردید گفتمان امنیت ملی تغییر پیدا کرده به جای تاکید بر ایجاد امنیت در جامعه، به دنبال امنیتی کردن فضای جامعه بروند. در صورتی که این رویدادها فاقد چشم انداز سیاسی بوده و خطری برای نظام نداشته‌اند. چارچوب نظریه این پژوهش از ترکیب سه نظریه زیر به دست آمده است: الف، استعاره ی "ریزوم" "ژیل دلوز" و "فلیکس گتاری" برای تبیین جنبش‌ها و نارضایتی‌های خیابانی سال‌های مورد نظر. جنبش‌هایی که فاقد مرکز، رهبری، سلسله مراتب و چشم انداز معین سیاسی هستند و بر گرد بلوک‌های نیاز به تندی شکل گرفته و به سرعت خاموش می‌شوند. ب- روش شناسی گفتمانی "ارنستو لاکلائو" و "شتال موفه". همانگونه که میخائیل باختین گفته است «کنش انسانی یک متن بالقوه است» و «متن اساس و بنیان علوم انسانی است» (احمدی، ص ۱۰۹) از سوی، دیگر زبان در فلسفه پست مدرن بنیانی عینی دارد. زیرا سازنده نظام‌های حقیقت، ایجاد کننده قدرت و ابزار اعمال آن است. بنابراین گفتمان غالب می‌تواند به عنوان عاملی عینی بر رویکرد امنیتی جامعه تاثیر بگذارد. ج - مکتب امنیت ملی کپنهاگ و نظریه "باری بوزان": بر پایه مکتب کپنهاگ و نظریه باری بوزان امنیت مقوله‌ای بین الاذهانی است که بازیگران متعددی را شامل

می‌شود و افزون بر جنبه سخت افزاری جنبه‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، قومی، نژادی، مذهبی و ... را هم در بر می‌گیرد. یعنی تنها وجه سلبی ندارد، بلکه جنبه ایجابی هم دارد. بنابراین درک متقابل بازیگران از همدیگر به ویژه گروه‌های اجتماعی و دولت اهمیت بسیار زیادی دارد و به دلیل ماهیت گفتمانی روابط اجتماعی، هرگونه گفتمان سیاسی می‌تواند جامعه را امنیتی کرده یا امنیت اجتماعی را به همراه داشته باشد.

این پژوهش از انسجام معنایی و پیوستگی منطقی بالایی برخوردار است و چارچوب تئوریک مقاله با جنبش‌های دهه ۹۰ کاملاً همخوانی دارد. اما این نوشته از دو جنبه دچار فروکاست یا تقلیل‌گرایی شده است. نخست آنکه امنیتی شدن وضعیت جامعه را معلول عملی نشدن وعده‌های دولت اصلاحات و محقق نشدن فضای استعاره‌ی ناشی از گفتمان نوع اصلاح طلبی می‌داند، در صورتی که جامعه ایران در بیش از چهار دهه گذشته همواره وضعیتی امنیتی داشته است. تنها در زمان‌هایی که از فشار جو امنیتی کاسته شده، مردم نارضایتی خود را نشان داده‌اند. دوم آنکه دسته‌بندی کردن اعتراضات در چهارچوب زیست جنبش‌های ریزوماتیک، نادیده گرفتن وجوه دیگر اعتراضات است. اگر به شعارهای معترضان در سال ۱۳۹۸ ه.ش دقت شود رنگ سیاسی شعارها بر خواسته‌های اقتصادی می‌چربید.

بنابراین می‌توان مغالطات زیر را بر این پژوهش وارد دانست:

الف - مغالطه کنه و وجه: زیرا از میان سه وجه ایدئولوژیک، سیاسی و معیشتی اعتراضات، تنها به وجه معیشتی آن توجه نموده است.

ب- مغالطه علت جعلی: به دلیل آنکه بخشی از علت امنیتی شدن جامعه را به جای علت‌های چندگانه آن گرفته است.

ج- خطای بزرگ‌نمایی: در این پژوهش وجه ریزوماتیک جنبش‌های دهه ۹۰ بیش از اندازه بزرگ شده است. هرچند جنبش‌های دهه ۹۰ به دلیل فرهنگ پست مدرن و تاثیر رسانه‌های دیجیتال بی‌سر و شکل و فاقد تعیین سیاسی بودند، اما این وضعیت تنها معلول غلبه این جنبش‌های نیست. زیرا جدا شدن سر روشنفکری از بدنه توده، دلایل چندی دارد که یکی از آنها ظهور جنبش‌های جدید است.

نوع مغالطه	مقدمه	بزرگ‌نمایی	گنجین کردن یا گزینش‌گری	متن مخ‌ور نبودن	لنگر انداختن	خطای انتخاب مشاهیر	کنه و وجه	علت جعلی	اهمال سوگیری	استقرا ی کاذب	خطای تایید	تحریف گذشته نگر	مغالطه ابهام	تاریک‌بینی	فرا فکری	باید و هست
۱	-	-	-	✓	-	-	✓	✓	✓	✓	✓	-	-	-	-	-
۲	✓	-	-	✓	✓	-	✓	-	-	✓	-	-	-	-	-	-
۳	-	✓	✓	-	-	✓	✓	✓	-	-	-	✓	-	-	-	-
۴	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	✓	-	-	-	-
۵	✓	-	-	-	-	-	-	✓	-	-	-	-	✓	✓	✓	✓
۶	-	-	✓	-	-	✓	-	-	-	-	-	-	-	✓	-	-
۷	-	-	✓	-	✓	-	✓	-	-	-	-	-	-	-	-	-
۸	-	-	-	-	-	-	-	-	-	✓	-	-	-	-	-	-
۹	-	-	✓	-	-	✓	-	-	-	-	-	✓	-	-	-	-
۱۰	-	✓	-	-	-	-	✓	✓	✓	-	-	-	-	-	-	-

۱	۲	۱	۱	۲	۱	۳	۱	۴	۵	۳	۲	۲	۴	۲	۲	جم	ع

۵- نتیجه

در این مقاله سعی شد خطاهای شناختی و مغالطات منطقی و تجربی ده مقاله پژوهشی مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. جدول زیر میزان و نوع این خطاها و مغالطات را نشان می‌دهد.

به طور کلی ۱۵ مغالطه منطقی، ۱۱ مغالطه تجربی و ۱۰ خطای شناختی در مقالات مورد نظر وجود دارد. از آنجایی که خطاهای شناختی کمترین تعداد را دارند، این تحلیل نشان می‌دهد مقالات از سطح علمی نسبتاً بالایی برخوردار بوده و از جو احساسی و ژورنالیسم به دور هستند. اما بیشترین خطا مربوط به خطاهای منطقی است و از میان خطاهای منطقی مغالطه کنه و وجه و علت جعلی بیشترین فراوانی را دارند. علت فراوانی بالای چنین مغالطه‌هایی مطلق گویی و فراموش کردن ماهیت نسبی پژوهش‌های علمی است. چنانچه نویسندگان این مقالات در استدلال و پردازش مقالات به "زبان نسبی علم" سخن می‌گفتند، چنین اشکالاتی بر آنها وارد نبود. در بخش خطاهای تجربی نیز بیشترین خطاها مربوط به گزینشگری و استقراء کاذب است. مغالطه گزینشگری نیز مانند مغالطه کنه و وجه و علت جعلی ناشی از مطلق نگری است. علم یک پدیده نسبی است نیازی نیست پژوهشگران بخشی از مشاهدات یک جامعه آماری را به همه آن تعمیم دهند. اما در بخش استقراء کاذب سه مورد از تحلیل‌ها با شواهد ارائه شده پیوند و انسجام کافی نداشتند. از میان خطاهای شناختی خطای انتخاب مشاهده‌گر با سه فراوانی بالاتر از همه قرار دارد. این خطا مربوط به جایی است که وضعیت مشاهده‌گر بر نگاه به جامعه آماری اثر دارد. به همین خاطر مشاهده‌گر باید با موضوع مورد مشاهده فاصله نسبی مناسبی را داشته باشد. نه بسیار دور که شناخت کافی پیدا نکند و نه آنقدر نزدیک که واقعیات بر او پوشیده بماند.

منابع

- احمدی، بابک (۱۳۷۵)، *ساختار و تاویل متن* (جلد نخست: نشانه شناسی و ساختارگرایی) چاپ سوم، نشر مرکز.
- اروینگ، م. کپی (۱۳۸۸)، *مغالطات سوری*، مترجم محمد زاده، ناشر پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع) شماره ۲.
- اکبری، وحید (۱۴۰۱)، *مغالطه های منطقی: پانزده نمونه از مغالطه های رایج*، سایت کامپیوتری ایوسی.
- بختیاروند (۱۳۹۴)، *مغالطات*: (جزوه درس کلام اسلامی / سطح ۳)، قم: انتشارات جامعه الزهرا (س). (بر اساس کتاب مغالطات آقای خندان و کتاب منطق پیشرفته استاد عسگری سلیمانی).
- حسین زاده، علی (۱۳۹۰)، *خطاهای شناختی و نقش آن در نارضایتی از زندگی*، مجله روان شناسی و دین، سال چهارم، شماره سوم.
- رهبر، عباسعلی (۱۳۹۹)، *اصول و روش های تحلیل سیاسی*، تهران: انتشارات سمت.
- سرزیم، علی (۱۳۹۸)، *بیش اقتصاد برای همه*: تشریح مفاهیم اقتصاد خرد به زبان ساده، چاپ پنجم، تهران: انتشارات ترمه.
- طالب، نسیم نیکولاس (۱۴۰۰)، *قوی سیاه: تاثیر رویدادهای بی نهایت محتمل*، مترجم: مریم بردبار، چاپ پنجم، تهران: نشر کتیبه پارسی.
- فاضل تونی، محمد حسین (۱۳۸۶)، *منطق*، (به اهتمام مهناز رئیس زاده) چاپ نخست، تهران: انتشارات مولی.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۹۹)، *نظم و زوال سیاسی*، مترجم: رحمن قهرمانپور، تهران: انتشارات روزانه، چاپ چهارم.

- قلی پور، فاطمه (۱۳۹۲)، *دوازده مغالطه شناختی*، تارنمای ره‌ایش.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۹)، *عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ (ظهور جامعه شبکه ای)*، مترجم: احد علیقلیان و دیگران، جلد نخست، چاپ ششم، تهران: انتشارات طرح نو.
- محمدی، علیرضا، *انواع مغالطات، مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی*، قابل دسترسی در سایت: <https://www.cgie.org.ir/popup/fa/system/contentprint/126683>
- نبویان، سید محمود (۱۳۹۰)، *مغالطات، نشریه معرفت فلسفی*، تهران: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- هولاب، رابرت (۱۳۷۸)، *نقد در حوزه عمومی: مجادلات فلسفی هابرماس با پوپری‌ها دیگران*، مترجم: حسین بشیریه، چاپ دوم، تهران: نشر نی.

